

## مقدمه

بی‌تردید تربیت اسلامی یکی از اساسی‌ترین بخش‌های معارف اسلامی است. ارائه معارف دینی به کودکان، باید متناسب با ویژگی‌های رشدی آنان باشد. شناساندن این معارف، بخصوص به کودکانی که هنوز به قابلیت‌های ذهنی دست نیافته‌اند، از پیچیدگی و حساسیت خاصی برخوردار است. قصه‌های قرآن، شامل مفاهیم ارزشمندی است که بر جوانب مختلف رشد کودکان تأثیر دارد. چنانچه انتخاب قصه و به چالش کشیدن مفاهیم برگرفته از آن، مطابق با ظرفیت‌های آنان باشد، موجب می‌شود تا کودکان بیشتر بتوانند با دین ارتباط برقرار کنند و آموزه‌های دینی را بهتر درک کنند.

قصه‌گویی در طول تاریخ همواره مورد علاقه و توجه بشر بوده است. از این‌رو، قصه یکی از ابزارهای مهم اصلاح رفتار محسوب می‌شود. قرآن کریم نیز به نیاز بشر و گرایش او به قصه توجه نشان داده و با تأکید بر علایق طبیعی انسان، بسیاری از مباحث ظریف اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی را در قالب زیباترین داستان‌ها طرح و ارائه نموده است. خدای متعال در سوره‌های متعدد قرآن کریم، از طریق نقل داستان گذشتگان سعی در هدایت، تربیت و اصلاح رفتار بشر داشته است. حتی خداوند یکی از کارهای خود را قصه‌گویی می‌داند و خطاب به پیامبر خود حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «ما بهترین سرگذشت‌ها را از طریق این قرآن، که به تو وحی کردیم، قصه می‌کنیم» (یوسف: ۳).

در قرآن قصه‌های حقیقی زیادی وجود دارد که فضای قصه‌های آن، چنان مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد که او با میل و علاقه همگام با داستان پیش می‌رود. ساختار دلنشین و زیبایی قصه‌ها به گونه‌ای است که در همه فرازها، حق را از باطل جدا می‌کند و خواننده را از سرانجام ناسپاسی، نافرمانی، مردم‌آزاری، شرک، کفر و گناه آگاه می‌کند. از این‌رو، با توجه به تأثیر قصه بر کودکان و علاقه‌مندی آنها به آن، قصه‌های قرآنی بهترین وسیله برای آموزش و اصلاح رفتار در کودکان می‌باشد. این پژوهش درصدد بررسی این موضوع برآمده است.

در زمینه نقش و اهمیت قصه، افلاطون از نخستین اندیشمندانی بود که اهمیت قصه برای کودکان را دریافت و بخشی از کتاب **جمهوری** را به بیان اهمیت قصه برای کودکان اختصاص داد (رحمان‌دوست، ۱۳۸۱، ص ۸۴). فروبل آلمانی مؤسس نخستین کودکستان، اساس تربیت کودکان را در کودکستان بر قصه و قصه‌گویی نهاد (اربابان و قافله‌کش، ۱۳۸۵، ص ۲). اریکسون (۱۳۸۲) نیز قصه را تلقین شفا بخش می‌داند که موجب کاهش اضطراب کودک شده، به طوری که اهمیت

## بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی بر کودکان

کلیه اکبر سلیمان‌نژاد / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور ارومیه

حورا سودی / کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه پیام نور خوی

دریافت: ۱۳۹۱/۸/۱ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۵

Dr.a.solan@gmail.com

## چکیده

قصه‌گویی در طول تاریخ همواره مورد علاقه و توجه بشر بوده و برای او جذابیت خاصی داشته و یکی از ابزارهای مهم اصلاح رفتار محسوب شده است. قرآن کریم نیز به نیاز بشر و گرایش او به قصه توجه نشان داده و با تأکید بر علایق طبیعی انسان، بسیاری از مباحث ظریف اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی را در قالب زیباترین داستان‌ها طرح و ارائه نموده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی بر کودکان صورت گرفته است. روش پژوهش، شبه‌آزمایشی با دو گروه آزمایش و کنترل و انجام پیش‌آزمون و پس‌آزمون بود. حجم نمونه، شامل ۴۰ کودک ۴-۶ ساله، از سه مهد کودک در شهر خوی در سال ۱۳۹۱-۱۳۹۰ بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. نتایج آزمون تحلیل کواریانس در سطح  $\alpha = 0.05$  نشان داد که بین میانگین نمرات کودکان گروه آزمایش و کنترل در زمینه تأثیر قصه‌های قرآنی بر مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی (رفتارهای نوع دوستانه، رفتارهای اجتماعی نامناسب، رفتارهای تکانشی، رابطه با همسالان، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن) تفاوت معنی‌داری وجود داشت.

کلیدواژه‌ها: قصه‌گویی، قرآن، مهارت‌های اجتماعی، کودکان.

همسان‌سازی با شخصیت‌ها و یا موقعیت‌هایی که قصه او را در کشف عواطف خود و دیگران یاری می‌کند. بندورا (۱۹۹۲) نیز معتقد است: کودکان با دیدن کسانی که رفتارهای تحسین‌برانگیز دارند و گوش کردن به حرف‌های آنان، از طریق پسخوراند، به ارزش اعمال و رفتار خود پی برده و درصدد افزایش سازگاری و کارایی خود در محیط برمی‌آیند. بدین ترتیب، قصه‌گویی ابزاری مفید و مؤثر برای اصلاح رفتار، سازگاری، کنترل هیجانات و افزایش مهارت‌های اجتماعی در کودکان محسوب می‌شود که باید آن را از سنین پایین و در مهدهای کودک ترویج داد. در این زمینه، آمبروسینی دو هدف برای مهدهای کودک بیان کرده است:

الف. رشد مهارت‌های اجتماعی مانند همکاری در کارهای گروهی، رعایت حقوق دیگران، دوست داشتن دیگران و ایجاد نگرش مثبت اجتماعی؛ ب. رشد عاطفی مانند کنترل احساسات و هیجانات، افزایش احساس حرمت‌خود و تأیید خویش و توجه به دیگران. وی نقش قصه‌گویی را برای رسیدن به دو هدف مذکور بسیار با اهمیت می‌داند (آمبروسینی، ۲۰۰۰، ص ۱۳۲).

یکی از شیوه‌هایی که در آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بسیار مؤثر بوده است، قصه‌گویی است. شناخت و تشخیص به‌موقع و آموزش مهارت‌های مناسب اجتماعی می‌تواند از مشکلات کودکان پیشگیری نموده و آنان را به سمت رفتارهای مثبت اجتماعی راهبری نماید.

آموزش مهارت‌های گوناگون به کودکان با ارائه الگوی یادگیری، رایج‌ترین روش پرورش مهارت‌های اجتماعی می‌باشد. ایجاد الگویی از رفتار اجتماعی به‌عنوان عامل مؤثر در فرایند آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان بسیار مورداستفاده قرار گرفته است. براساس نظریه بندورا، کودک می‌تواند از طریق تجربه جانشینی با قهرمان داستان همانندسازی نموده، پیامدهای رفتار را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. سپس آن را خود الگوبرداری نموده و به کار برد (همان، ص ۱۴۶).

مسئله مهارت‌های اجتماعی در کودکان، تنها از حدود دهه ۱۹۶۰ و پس از روشن شدن اهمیت مهارت‌های اجتماعی در بزرگسالان مورد توجه قرار گرفت. به‌طورکلی، می‌توان گفت: کسی که دارای مهارت‌های اجتماعی است، خود را به خوبی با محیط خویش تطبیق می‌دهد و در ارتباطات خود با دیگران از درگیری‌های کلامی و فیزیکی اجتناب می‌کند. اما کسی که مهارت‌های اجتماعی ندارد، معمولاً دچار مشکلات رفتاری است. کودکی که فاقد مهارت‌های اجتماعی است با کودکان دیگر درگیر می‌شود، نزد همسالان و بزرگسالان محبوب نیست، و با معلم خود کنار نمی‌آید. این‌گونه کودکان معمولاً به حقوق دیگران هم بی‌توجهند و در رفتار خویش، خودمدار می‌باشند. علاوه بر این، آنها از

قوانین پذیرفته‌شده اجتماعی اطاعت نمی‌کنند و به رفتارهایی که از نظر اجتماعی پسندیده نیست، مثل بدگویی و ناسزاگویی دست می‌زنند (گرشام، ۲۰۱۱).

مروری بر ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که تعاریف گوناگونی برای مهارت‌های اجتماعی وجود دارد. مهارت‌های اجتماعی، رفتارهایی هستند که در پاسخ به وقایع محیطی، که عامل آنها فرد یا افراد دیگر هستند، از شخص صادر می‌شوند، و پاسخ‌های محیطی مثبتی را به دنبال دارند (کارتلج و میلبرن، ۱۳۸۲، ص ۳۳). گرشام (۲۰۱۱) معتقد است که هرچند تعاریف متعددی برای مهارت‌های اجتماعی وجود دارد، ولی سه تعریف یا مفهوم‌سازی عمده را می‌توان از ادبیات مهارت‌های اجتماعی استخراج کرد. براساس تعریف پذیرش همسالان، فردی دارای مهارت‌های اجتماعی است که همسالانش او را بپذیرند. مهم‌ترین اشکال این تعریف این است که مشخص نمی‌کند دقیقاً چه رفتارهای خاصی منجر به پذیرش همسالان می‌شوند.

در تعریف رفتاری، مهارت‌های اجتماعی رفتارهایی هستند که احتمال تشویق شدن یا تقویت رفتار را افزایش، و احتمال تنبیه شدن یا خاموشی رفتار را کاهش می‌دهند. مهم‌ترین اشکال این تعریف این است که صرفاً افزایش فراوانی رفتارهای خاصی، که نام مهارت‌های اجتماعی به آنها داده شده است، تضمین‌کننده اعتبار اجتماعی این رفتارها نیست.

مهارت‌های اجتماعی، از نظر مک فال، تعریف اعتبار اجتماعی می‌باشد. براساس این تعریف، مهارت‌های اجتماعی رفتارهای خاص یا الگوهای رفتاری هستند که پیش‌بینی‌کننده یا دربردارنده پیامدهای مهم اجتماعی‌ای برای فرد باشند (گرشام، ۲۰۱۱). پیامدهای مهم اجتماعی، پیامدهایی هستند که تفاوتی را به لحاظ کارکرد فرد یا سازگاری او با انتظارات اجتماعی ایجاد می‌کنند. این پیامدها می‌توانند شامل پذیرش همسالان و دوستان یا معلمان و والدین، و سازگاری با مدرسه باشند.

در تعریف اعتبار اجتماعی، بین شایستگی اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی نیز تمایز گذاشته می‌شود. براساس این دیدگاه، مهارت‌های اجتماعی رفتارهای خاصی هستند که فرد به نمایش می‌گذارد تا در یک موقعیت اجتماعی، با شایستگی عمل کرده باشد. اما شایستگی اجتماعی یک ارزشیابی است که براساس قضاوت در مورد اینکه فرد در یک موقعیت اجتماعی با شایستگی عمل کرده است یا خیر، صورت می‌گیرد. این قضاوت‌ها، می‌توانند براساس نظر دیگران مهم (مثلاً والدین، معلمان، همسالان)، مقایسه با معیارهای آشکار (مثلاً تعداد تکالیف اجتماعی‌ای که به درستی انجام شده‌اند)، و یا مقایسه با

یک نمونه‌های هنجاری باشند. خلاصه اینکه، براساس تعریف اعتبار اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی رفتارهای خاصی هستند که منجر به قضاوت در مورد این رفتارها می‌شوند (همان).

برای اینکه کودک احساسات مثبتی در مورد خودش داشته باشد، باید دارای مهارت‌های ضروری برای همراهی با دیگران باشد (هارجی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷). به نظر می‌رسد، بیشتر کودکان این مهارت‌ها را به‌طور طبیعی به دست می‌آورند، ولی برخی هم به آموزش رسمی در این زمینه احتیاج دارند. کودکی، که از خودش نامطمئن است، با شک و تردید به دیگران نزدیک می‌شود. بنابراین، کمتر فرصت پیدا می‌کند که از مهارت‌های اجتماعی‌ای که شاید داشته باشد، استفاده کند. کودکانی هم که از خود راضی و پرخاشگر هستند، از فقدان مهارت‌های اجتماعی رنج می‌برند. آنها به جای کنار کشیدن خود در موقعیت‌های بحرانی، به تعامل با دیگران ادامه می‌دهند و با استفاده از هر روشی، به فعالیت ادامه می‌دهند. اگرچه این کودکان، مهارت‌های اجتماعی مطلوب را در گروه همسالان نیاموخته‌اند، ولی می‌توانند با آموزش گام‌به‌گام به رفتار مناسب اجتماعی دست یابند. هرگاه کودکان بتوانند با دیگران تعامل موفقیت‌آمیزی داشته باشند، این قابلیت‌های جدید موجب افزایش عزت نفس اجتماعی آنان می‌گردد.

توانایی کودک در درک دیدگاه دیگران، عامل مهمی در مهارت‌های ارتباطی محسوب می‌شود. علاوه بر این، مهارت‌هایی نظیر گوش دادن، توجه کردن، سؤال کردن، ردوبدل کردن تعارف، وارد شدن در یک فعالیت مشترک با سایر همسالان، و مهارت‌های محاوره‌ای هم از اهمیت برخوردارند. مهارت‌های اجتماعی از این نظر مهم هستند که کودکی که رفتار اجتماعی بهتری دارد، با دیگران بهتر رفتار می‌کند. این امر موجب می‌شود دیگران به‌گونه‌ای مثبت به کودک پاسخ دهند. با توجه به اینکه کودکان، دست‌کم بخشی از عزت نفسشان را از عکس‌العمل دیگران نسبت به خود به دست می‌آورند، این امر موجب افزایش عزت نفس آنان می‌گردد.

به نظر کلی، دارا بودن مهارت‌های اجتماعی مزیت‌های متعددی دارد. اولاً، کسی که دارای مهارت‌های اجتماعی است راحت‌تر می‌تواند با دیگران رابطه برقرار کند؛ یعنی با افراد جدید دوست شود یا روابط موجود خود را حفظ نماید. ثانیاً، کودکی که دارای مهارت‌های اجتماعی است، می‌تواند از مهارت‌های خود برای دستیابی به مزایای ثانوی استفاده کند. برای نمونه، دانش‌آموز می‌تواند در کلاس درس از معلم حرف‌شنوی کند تا معلم به او نمره خوب بدهد، و این مسئله والدینش را خشنود سازد. ثالثاً، کودکی که از مهارت‌های اجتماعی برخوردار است، در مقابل رفتارهای نامناسب دیگران به

واکنش‌های صحیح دست می‌زند (گرشام، ۲۰۱۱). او می‌داند که اگر کسی او را اذیت کرد، درگیری و واکنش مناسبی نیست. کودکانی که مرتب با دیگران درگیر می‌شوند، بخصوص کودکانی که دچار اختلالات رفتاری می‌باشند، در این جنبه از مهارت‌های اجتماعی ضعیف هستند.

برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، مهد کودک جایگاه مناسبی است. در این سنین، با توجه به علاقه وافر کودکان به قصه، می‌توان از طریق قصه‌گویی این مهارت‌ها را در آنها تقویت نمود و بدین‌گونه مهارت‌های اجتماعی آنها را تقویت کرد. مرویس و برتراند معتقدند: مهدهای کودک به علت تنوعی که می‌توانند در ارائه برنامه‌های آموزشی خود داشته باشند، می‌توانند با استفاده از قصه‌ها و قصه‌گویی بسیاری از مهارت‌های اجتماعی را به کودکان آموزش دهند (مرویس و برتراند، ۲۰۰۳). بدین ترتیب، قصه‌گویی ابزاری مفید و مؤثر جهت اصلاح رفتار، سازگاری، کنترل هیجانات و افزایش مهارت‌های اجتماعی در کودکان محسوب می‌شود که آن را باید از سنین پایین و در مهدهای کودک ترویج داد.

در قرآن کریم، برای عبرت و آموزش رفتارهای خوب و درست در افراد، قصه‌های زیادی آورده شده که می‌توان با ساده‌سازی آنها برای آموزش و تقویت مهارت‌های اجتماعی در کودکان از آنها استفاده نمود. بر این اساس و با توجه به اهمیت و نقش قرآن در زندگی مسلمانان، این پژوهش با الگوگیری از قصه‌های قرآنی با ساده‌سازی قصه‌ها به‌منظور درک کودکان سنین ۴ تا ۶ سال و همچنین، ایجاد علاقه و توجه بیشتر کودکان نسبت به قرآن، درصدد بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان مهد کودک برآمده است.

بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی بر کودکان پرداخته است.

### روش پژوهش

روش این پژوهش، از نوع شبه‌تجربی و آزمایشی، با در نظر داشتن دو گروه آزمایشی و کنترل با پیش‌آزمون و پس‌آزمون بود. گروه آزمایشی، تحت تأثیر متغیر مستقل قرار گرفت. درحالی‌که به گروه کنترل هیچ‌گونه آموزشی داده نشد. با توجه به اینکه در مهارت‌های اجتماعی کودکان عامل سن تأثیرگذار است، با انتخاب کودکان ۴ تا ۶ ساله متغیر سن کنترل شد. کودکان در کلاس‌ها از روی سن هم‌تاسازی گردیدند. جامعه آماری این تحقیق، شامل تمام کودکان ۶-۴ ساله مهدهای کودک شهر خوی

## ابزارهای پژوهش

قصه‌های مطرح در قرآن: قصه‌های مطرح در قرآن شامل قصه‌های مطرح در سوره‌های صافات، شمس، طه، موسی و یوسف می‌باشند. برای پرورش مهارت‌های اجتماعی، قصص سوره‌های صافات، شمس و طه، یوسف و موسی مورد استفاده قرار گرفتند. قصه‌ها، از کتاب مجموعه قصه‌های قرآن انتخاب شدند.

مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون: برای سنجش مهارت‌های اجتماعی کودکان، در این پژوهش از مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون که توسط ماتسون و همکاران در سال ۱۹۸۳ برای سنجش مهارت‌های اجتماعی افراد ۴ تا ۱۸ ساله تدوین گردیده است، استفاده شد. فرم اولیه این مقیاس، دارای ۶۲ عبارت بود که توسط یوسفی و خیر (۱۳۸۱) تحلیل عاملی شده و به ۵۶ عبارت کاهش یافت که مهارت‌های اجتماعی افراد را توصیف می‌کنند. برای پاسخ‌گویی به آن، آزمودنی باید هر عبارت را بخواند و سپس، پاسخ خود را براساس یک شاخص ۵ درجه‌ای از نوع مقیاس لیکرت مشخص نماید. در این پژوهش، با توجه به اینکه آزمودنی‌ها، کودکان مهد بودند، محقق با همکاری مربیان، اقدام به تکمیل پرسش‌نامه کردند.

تحقیقات نشان داده‌اند که مقیاس مهارت‌های اجتماعی ماتسون از ثبات روان‌سنجی، پایایی بالای بازآزمایی و روایی افتراقی قابل قبولی برخوردار است (ماتسون، ۱۹۹۵). ماتسون و همکاران برای بررسی پایایی مقیاس مهارت‌های اجتماعی، از ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کردند (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱). مقدر ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف به دست آمده برای کل مقیاس یکسان و برابر ۰/۸۶ بود (ماتسون و همکاران، ۱۱۹۵). برای این مقیاس، ۵ مقیاس فرعی در قالب پنج عامل جداگانه به شرح زیر تعریف شده است:

۱. عامل اول: شامل رفتارهای نوع دوستانه است که رفتارهای اجتماعی از قبیل داشتن ارتباط دیداری با دیگران، مؤدب بودن، به کار بردن نام دیگران و اشتیاق به تعامل با دیگران به طریق مفید و مؤثر را دربر می‌گیرد.
۲. عامل دوم: رفتارهای اجتماعی نامناسب است که رفتارهایی مانند دروغ گفتن، کتک‌کاری، خرده گرفتن بر دیگران، ایجاد صداهای ناهنجار و ناراحت‌کننده، و زیر قول خود زدن را شامل می‌شود.
۳. عامل سوم: تکانشی عمل کردن و پرخاشگر و سرکش بودن است که شامل رفتارهایی از قبیل به آسانی عصبانی شدن، یا یک‌دندگی و لجبازی می‌شود.
۴. عامل چهارم: اطمینان زیاد به خود داشتن است و دربردارنده رفتارهایی در مورد به خود نازیدن و به دیگران پزدادن، تظاهر به دانستن همه چیز و خود را برتر از دیگران دیدن است.

در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ می‌باشند. حجم نمونه پژوهش، شامل ۴۰ کودک بود که از سه مهد کودک انتخاب شدند. ۲۰ نفر که ۱۲ نفر از آنها پسر و ۸ نفر دختر بود، به‌عنوان گروه آزمایش در یک مهد کودک توسط دو مربی زن، که مهارت خوبی در قصه‌گویی و توانایی بالایی در برقراری ارتباط با کودکان داشتند، به مدت سه ماه روزانه به مدت ۳ ساعت تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی قرار گرفتند. این دو مربی، در یک مهد کودک و در یک کلاس و هر کدام به نوبت یک قصه را بازگویی می‌کردند که هریک از آنان، در طی روز یک و نیم ساعت با کودکان کار قصه‌گویی را انجام می‌دادند. ۲۰ نفر دیگر، که ۹ نفر پسر و ۱۱ نفر دختر بودند، در گروه کنترل قرار گرفتند. در انتخاب کودکان از نظرات مربیان استفاده شد و برای هر دو گروه کنترل و آزمایشی، کودکانی انتخاب شدند که در مهد نسبت به دیگر کودکان از نظر رفتاری و سازگاری با مشکل مواجه بودند. به همین دلیل، آزمودنی‌ها به لحاظ جنسیت متفاوت بودند که در مجموع ۲۱ نفر پسر و ۱۹ نفر دختر برای دو گروه آزمایش و کنترل انتخاب شدند. در گروه آزمایش، ۵ نفر کودک ۴ ساله، ۸ نفر کودک ۵ ساله و ۷ نفر کودک ۶ ساله قرار گرفتند. برای انتخاب گروه نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد؛ بدین ترتیب، از بین مهدکودک‌های شهر خوی، تعداد سه مهد به‌طور تصادفی انتخاب و سپس از میان کودکان آنها ۴۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شدند.

روش اجرا: پس از انتخاب گروه‌ها، به گروه آزمایش از طریق قصه‌گویی قرآنی توسط دو مربی طی سه ماه، هر روز ۳ ساعت آموزش مهارت‌های اجتماعی داده شد. در این آموزش، مربیان به بیان قصه‌های مطرح در قرآن، شامل قصه‌های مطرح در سوره‌های صافات، شمس، طه، هود، موسی و یوسف، که می‌توانستند در ارتباط با پرورش مهارت‌های اجتماعی باشد، در قالب کلمات ساده و بیانی روان و توضیح بسیار در مورد هریک از رفتارها، به‌منظور درک بهتر کودکان و همچنین استفاده از پرسش و پاسخ در مورد رفتارهای صحیح و غلط داستان و مقایسه آن رفتارها با رفتارهای کودکان و همچنین دیگر کودکان در مهد کودک، به بحث پرداختند. مربیان دو گروه آزمایش و کنترل، پرسش‌نامه مهارت‌های اجتماعی را به‌طور جداگانه برای هریک از کودکان در پیش و پس از آموزش تکمیل نمودند. در این پژوهش، ۴ قصه قرآنی به‌منظور تقویت مهارت‌های اجتماعی تهیه گردید. برای تعیین روایی قصه‌ها، از نظرات پنج نفر از افراد متخصص و کارشناس که در زمینه قصه‌گویی کودکان مهارت و تخصص داشتند و سه نفر از طلاب علوم دینی استفاده گردید. این قصه‌ها، پس از پنج بار بازخوانی و تجدیدنظر برای این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

گروه‌ها	تعداد	پیش‌آزمون رفتارهای تکانشی		پس‌آزمون رفتارهای تکانشی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	۲۰	۱۲/۱۴	۴/۱۲	۱۸/۳۴	۴/۵۵
کنترل	۲۰	۱۳/۲۵	۴/۶۹	۱۳/۳۷	۴/۴۳
منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معنی داری
پیش‌آزمون	۸۲/۷۵	۱	۸۲/۷۵	۱/۶۰	۰/۲۵
گروه	۱۴۸۸/۶۷	۱	۱۴۸۸/۶۷	۱۲/۳۱	۰/۰۰۱
گروه‌ها	تعداد	پیش‌آزمون رابطه با همسالان		پس‌آزمون رابطه با همسالان	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	۲۰	۱۰/۰۷	۴/۱۷	۱۶/۵۶	۴/۲۹
کنترل	۲۰	۹/۹۵	۴/۲۵	۹/۸۸	۴/۵۶
منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معنی داری
پیش‌آزمون	۴۱/۸۵	۱	۴۱/۸۵	۰/۸۷	۰/۷۴
گروه	۱۰۰۴/۱۴	۱	۱۰۰۴/۱۴	۷/۱۸	۰/۰۰۵
گروه‌ها	تعداد	پیش‌آزمون برتری طلبی (اطمینان زیاد به خود)		پس‌آزمون برتری طلبی (اطمینان زیاد به خود)	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	۲۰	۱۲/۹۵	۴/۴۷	۱۷/۵۴	۳/۸۱
کنترل	۲۰	۱۲/۷۷	۴/۲۳	۱۳/۵۴	۴/۵۷
منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معنی داری
پیش‌آزمون	۷۰/۷۹	۱	۷۰/۷۹	۱/۱۱	۰/۴۴
گروه	۱۲۲۱/۴۷	۱	۱۲۲۱/۴۷	۱۰/۷۵	۰/۰۰۱

جدول ۱: مقادیر میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن و همچنین نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر قصه‌های قرآنی بر میانگین نمرات پس‌آزمون مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات به‌دست‌آمده، مقادیر میانگین در پیش‌آزمون، تفاوت چندانی را بین نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان نمی‌دهد. درحالی‌که در پس‌آزمون میانگین دو گروه متفاوت بوده و میانگین گروه آزمایش بزرگتر از گروه کنترل می‌باشد. این جدول همچنین نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر قصه‌های قرآنی بر میانگین نمرات پس‌آزمون مهارت‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. F مشاهده‌شده در سطح ۰/۰۵ تفاوت معنی‌داری را بین پس‌آزمون میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان

۵. عامل پنجم: رابطه به همسالان است که دربردارنده تنهایی و حسادت می‌باشد (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱). علاوه بر نمراتی که پاسخگو در هر کدام از عوامل یادشده به دست می‌آورد، جمع نمرات ۵۶ عبارت موجود در مقیاس نیز یک نمره کلی، که بیانگر مهارت اجتماعی آزمودنی است، به دست می‌دهد (همان).

### یافته‌های پژوهش

جدول ۱: مقادیر میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون مهارت‌های اجتماعی و نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر قصه‌های قرآنی بر میانگین نمرات پس‌آزمون مهارت‌های اجتماعی (و مؤلفه‌ها)

گروه‌ها	تعداد	پیش‌آزمون مهارت‌های اجتماعی		پس‌آزمون مهارت‌های اجتماعی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	۲۰	۲۸/۴۴	۱۲/۵۶	۵۷/۸۷	۱۰/۱۷
کنترل	۲۰	۲۹/۲۰	۱۱/۱۴	۲۹/۹۸	۱۱/۷۹
منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معنی داری
پیش‌آزمون	۱۲۲/۶۵	۱	۱۲۲/۶۵	۱/۲۵	۰/۳۶
گروه	۱۸۸۷/۳۰	۱	۱۸۸۷/۳۰	۱۴/۵۰	۰/۰۰۱
گروه‌ها	تعداد	پیش‌آزمون رفتارهای نوع‌دوستانه		پس‌آزمون رفتارهای نوع‌دوستانه	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	۲۰	۱۲/۵۰	۴/۵۶	۱۸/۳۴	۴/۱۱
کنترل	۲۰	۱۲/۲۴	۴/۰۳	۱۳/۰۸	۴/۲۱
منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معنی داری
پیش‌آزمون	۷۲/۲۳	۱	۷۲/۲۳	۱/۳۸	۰/۴۷
گروه	۱۴۹۲/۵۲	۱	۱۴۹۲/۵۲	۱۲/۴۴	۰/۰۰۱
گروه‌ها	تعداد	پیش‌آزمون رفتارهای اجتماعی نامناسب		پس‌آزمون رفتارهای اجتماعی نامناسب	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	۲۰	۱۲/۸۸	۴/۱۴	۱۸/۳۳	۳/۸۵
کنترل	۲۰	۱۲/۱۳	۴/۲۱	۱۲/۳۸	۴/۴۲
منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معنی داری
پیش‌آزمون	۵۵/۱۴	۱	۵۵/۱۴	۱/۲۲	۰/۴۹
گروه	۱۴۷۴/۲۴	۱	۱۴۷۴/۲۴	۱۲/۱۵	۰/۰۰۱

می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت: آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی، موجب بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان گروه آزمایش شده است.

براساس اطلاعات به‌دست‌آمده، مقادیر میانگین در پیش‌آزمون، تفاوت چندانی را بین نمرات رفتارهای نوع دوستانه کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان نمی‌دهد. درحالی‌که در پس‌آزمون میانگین دو گروه متفاوت بوده و میانگین گروه آزمایش بزرگتر از گروه کنترل می‌باشد. توجه به نتایج تحلیل کواریانس تأثیر قصه‌های قرآنی بر میانگین نمرات پس‌آزمون رفتارهای نوع دوستانه حاکی از آن است که F مشاهده‌شده در سطح ۰/۰۵ تفاوت معنی‌داری را بین پس‌آزمون میانگین نمرات رفتارهای نوع دوستانه کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت: آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی، موجب بهبود رفتارهای نوع دوستانه کودکان گروه آزمایش شده است.

براساس اطلاعات جدول ۱: مقادیر میانگین در پیش‌آزمون تفاوت چندانی را بین نمرات رفتارهای نوع دوستانه کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان نمی‌دهد. درحالی‌که در پس‌آزمون میانگین دو گروه متفاوت بوده و میانگین گروه آزمایش بزرگتر از گروه کنترل می‌باشد. نتایج تحلیل کواریانس تأثیر قصه‌های قرآنی بر میانگین نمرات پس‌آزمون رفتارهای اجتماعی نامناسب، بیانگر این است که F مشاهده‌شده در سطح ۰/۰۵ تفاوت معنی‌داری را بین پس‌آزمون میانگین نمرات رفتارهای اجتماعی نامناسب کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت: آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی، موجب بهبود رفتارهای اجتماعی نامناسب کودکان گروه آزمایش شده است.

براساس اطلاعات به‌دست‌آمده، مقادیر میانگین در پیش‌آزمون، تفاوت چندانی را بین نمرات رفتارهای نوع تکانشی کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان نمی‌دهد. درحالی‌که در پس‌آزمون، میانگین دو گروه متفاوت بوده و میانگین گروه آزمایش بزرگتر از گروه کنترل می‌باشد. بر این اساس، F مشاهده‌شده در سطح ۰/۰۵ تفاوت معنی‌داری را بین پس‌آزمون میانگین نمرات رفتارهای تکانشی کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت: آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی موجب بهبود رفتارهای تکانشی کودکان گروه آزمایش شده است.

اطلاعات به‌دست‌آمده در جدول ۱: گویای این امر است که مقادیر میانگین در پیش‌آزمون، تفاوت چندانی را بین نمرات رابطه با همسالان کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان نمی‌دهد. درحالی‌که در

پس‌آزمون، میانگین دو گروه متفاوت بوده و میانگین گروه آزمایش بزرگتر از گروه کنترل می‌باشد. نتایج تحلیل کواریانس تأثیر قصه‌های قرآنی بر میانگین نمرات پس‌آزمون رابطه با همسالان حاکی از آن است که F مشاهده‌شده در سطح ۰/۰۵ تفاوت معنی‌داری را بین پس‌آزمون میانگین نمرات رابطه با همسالان کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت: آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی، موجب بهبود رابطه با همسالان کودکان گروه آزمایش شده است.

همچنین جدول ۱؛ مقادیر میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون برتری‌طلبی را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات به‌دست‌آمده، مقادیر میانگین در پیش‌آزمون، تفاوت چندانی را بین نمرات برتری‌طلبی کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان نمی‌دهد. درحالی‌که در پس‌آزمون، میانگین دو گروه متفاوت بوده و میانگین گروه آزمایش بزرگتر از گروه کنترل می‌باشد. براساس نتایج تحلیل کواریانس تأثیر قصه‌های قرآنی بر میانگین نمرات پس‌آزمون برتری‌طلبی، F مشاهده‌شده در سطح ۰/۰۵ تفاوت معنی‌داری را بین پس‌آزمون میانگین نمرات رفتارهای نوع دوستانه کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت: آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی، موجب بهبود برتری‌طلبی کودکان گروه آزمایش شده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها در زمینه نمرات پس‌آزمون مهارت‌های اجتماعی کودکان گروه آزمایش و کنترل نشان داد تفاوت معنی‌داری بین میانگین پس‌آزمون تأثیر قصه‌های قرآنی بر مؤلفه‌های مهارت اجتماعی وجود داشت. به‌عبارت دیگر، آموزش مهارت‌های اجتماعی به وسیله قصه‌گویی و قصه‌های قرآنی موجب بروز رفتارهایی از قبیل رفتارهای نوع دوستانه، رابطه با همسالان، اطمینان زیاد به خود داشتن و برتری‌طلبی و کاهش رفتارهای نامناسب اجتماعی و نیز کنترل خشم و پرخاشگری، رفتارهای تکانشی و سرکشی می‌گردد. درواقع، طراحی خوب قصه‌های قرآنی به‌گونه‌ای که برای کودکان قابل فهم باشد، می‌تواند موجب اصلاح رفتار آنها می‌شود.

چنان‌که در قرآن نیز آمده است: «به‌راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است» (کهف: ۶۴)، هدف اصلی بیان قصه‌ها در قرآن عبرت‌آموزی و اصلاح رفتار انسان است، به‌گونه‌ای که نسبت به دیگران رفتاری محبت‌آمیز داشته باشد و به حقوق دیگران تجاوز نکند و حقوق آنها را محترم شمارد. در عین حال، این رفتارها همراه با آگاهی، بی‌ش و منطقی باشد و این‌گونه رفتارها چیزی است که توسط

روانشناسان در قالب مهارت‌های اجتماعی ارائه شده است. درحالی‌که خداوند در قالب قصه‌های قرآنی بالغ بر ۱۴۰۰ سال پیش آنها را به انسان‌ها آموزش داده و همیشه تازگی‌شان حفظ شده است. درواقع، اندیشمندان نیز با پرورش مهارت‌های اجتماعی، به دنبال بهبود رفتارهایی در فرد هستند که قرآن به واسطه قصه به دنبال آن بوده است، چنان‌که در مطالعات سیاروچی و همکاران (۲۰۰۰)، بار-آن و پارکر (۲۰۰۰)، مطالعات درکسن و همکاران (۲۰۰۲) و هلگسون (۲۰۰۴) نیز این موضوع نشان داده شده است. این یافته نشان داد در صورتی‌که مهدهای کودک آموزش‌های رفتاری خود را براساس یک برنامه علمی و اصولی تنظیم کنند و از محتوای قرآنی بیشتر استفاده کنند و این محتوا را در قالب قصه به کودکان آموزش دهند، بسیاری از مشکلات رفتاری کودکان را می‌توانند کاهش دهند و از طریق قهرمانان قصه‌ها رفتارهای مناسبی را جایگزین رفتارهای قبلی نمایند. در این پژوهش، مریبان آموزش کودکان را به‌طور مستمر و با بیان چند قصه قرآنی و نظرخواهی از کودکان، در زمینه رفتار غلط و صحیح قهرمانان قصه‌ها و اثرات این رفتارها انجام دادند. درواقع، استفاده از قصه در مهدهای کودک می‌تواند به‌عنوان یک روش تدریس فعال مطرح گردد که با مشارکت کودکان در آموزش، به‌طور مطلوب رفتارهای مناسب و خوب را به کودکان آموزش دهد.

بنابراین، قصه‌گویی به واسطه قصه‌های قرآنی توانسته است مهارت‌های اجتماعی کودکان را بهبود بخشد و رفتارهایی در زمینه رفتارهای نوع‌دوستانه، رابطه با همسالان و رفتارهای مناسب اجتماعی، کنترل خشم، اصلاح و تقویت نموده و آنها را برای یک زندگی سازگارانه آماده نماید. این یافته‌ها، توانسته است نظرات متخصصان قصه‌گویی یعنی رحماندوست (۱۳۸۱)، اریکسون (۱۳۸۵) و سلیمانی (۱۳۸۵) و هویلا و همایی (۱۳۸۹) را مبنی بر تأثیر قصه‌گویی بر آرامش روانی کودک و سازگاری بهتر وی با محیط تأیید کند.

همچنین با استناد به نظریه یادگیری اجتماعی-شناختی، می‌توان گفت: کودکان با الگوبرداری از رفتار قهرمانان قصه‌ها و قضاوت در مورد رفتار خود، به اصلاح رفتار خود پرداخته‌اند. به‌هنگام قصه گفتن، تخیل کودک با واژه‌ها و شخصیت قصه‌ها همسو و هماهنگ می‌شود. بدین ترتیب، رفتارهایی که احترام و تشویق اجتماعی را به دنبال دارد، برمی‌گزینند.

در پژوهش هلگسون (۲۰۰۴)، آموزش‌های هوش هیجانی کودکان موجب کاهش و اصلاح تفکرات منفی در کودکان شده و در نتیجه، رفتار تهاجمی آنها کاهش یافته است. یکی از شیوه‌های مورد استفاده وی، آموزش از طریق بیان قصه بوده است. همچنین، مندولوتیز (۱۹۹۹) آموزش

شناختی- رفتاری را بهترین روش برای کاهش اضطراب کودکان گزارش نمود. وی برای کاهش اضطراب کودکان، از قصه انسان‌های شجاع استفاده نمود. بنابراین، یافته‌های تحقیقات انجام‌شده بیانگر موفقیت آموزش به کودکان، به روش قصه‌گویی در کاهش رفتارهای نامطلوب و افزایش و تقویت سازگاران دارد.

باندورا (۱۹۹۲) معتقد است: کودکان با دیدن کسانی که رفتارهای تحسین‌برانگیز دارند و گوش کردن به حرف‌های آنان، از طریق پس‌خوراندن، به ارزش اعمال و رفتار خود پی برده و درصدد افزایش سازگاری و کارایی خود در محیط برمی‌آیند. بدین ترتیب، قصه‌گویی ابزاری مفید و مؤثر جهت اصلاح رفتار، سازگاری، کنترل هیجانات و افزایش مهارت‌های اجتماعی در کودکان محسوب می‌شود که آن را باید از سنین پایین و در مهدهای کودک ترویج داد. در این زمینه، آمبروسینی (۲۰۰۰) دو هدف برای مهدهای کودک بیان کرده است:

۱. رشد مهارت‌های اجتماعی مانند همکاری در کارهای گروهی، رعایت حقوق دیگران، دوست داشتن دیگران و ایجاد نگرش مثبت اجتماعی؛  
۲. رشد عاطفی مانند کنترل احساسات و هیجانات، افزایش احساس حرمت‌خود و تأیید خویشتن و توجه به دیگران.

وی نقش قصه‌گویی را در این زمینه بسیار بااهمیت می‌داند. آموزش مهارت‌های سازگاری با محیط با نظریه یادگیری رایج‌ترین روش پرورش مهارت‌های اجتماعی می‌باشد. ایجاد الگویی از رفتار اجتماعی به‌عنوان عامل مؤثر در فرایند آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان مورد استفاده زیادی قرار گرفته است (بندورا، ۱۹۷۳، ص ۲۱۳). درواقع، قصه‌گویی موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی می‌گردد. تحقیقات ماتسن (۱۹۹۵)، به‌منظور آموزش مهارت‌های سازگاری به کودکان ۴ تا ۵ ساله تأثیر مثبت این آموزش‌ها بر رفتارهای اجتماعی، از قبیل رفتارهای هدفمند اجتماعی مانند: سلام کردن و دعوت به بازی، کاهش رفتارهای نامناسب اجتماعی مانند کج‌خلقی، پرخاشگری و ربودن اسباب بازی‌ها و بازی‌های اجتماعی مانند بازی کردن با دیگران، صحبت متقابل و شرکت در فعالیت‌های مشترک را نشان داده است. سازمان جهانی بهداشت (۱۳۷۷)، آموزش مهارت‌های زندگی و سازگاری را به‌منظور خودآگاهی بیشتر در دانش‌آموزان و ایجاد رفتارهایی از قبیل صداقت، نوع‌دوستی و کنترل پرخاشگری در سطح مراکز آموزشی و تربیتی توصیه نموده است. مطالعات رولین و دریل (۲۰۰۲)، مک کلند و موريسن (۲۰۰۳) و هلگسون (۲۰۰۴) نشان داد، آموزش مهارت‌های سازگاری در کودکان

خودکنترلی، رفتار احترام‌آمیز، کاهش حالت‌های تهاجمی، استقلال، مسئولیت‌پذیری، خودتنظیمی، همکاری گروهی و پیشرفت تحصیلی را موجب می‌شود.

براساس این یافته‌ها می‌توان گفت: مهدهای کودک بهترین مکان برای آموزش رفتارهای صحیح و جامعه‌پسند به کودکان است و قرآن، همان‌گونه که راه‌گشای بزرگسالان است، می‌تواند راه‌گشای کودکان نیز باشد و آنان را به سوی رفتارهای نیکو و صحیح هدایت کند. بنابراین، مسئولان سازمان بهزیستی، باید به این موضوع بیشتر توجه نمایند و پیش از شروع سال تحصیلی، با آموزش مربیان در این زمینه، علاوه بر ترویج قرآن و علاقه‌مند نمودن کودکان به آن، با تقویت مهارت‌های اجتماعی و سازگاری کودکان، مشکلات رفتاری آنها را نیز برطرف نمایند.

در پایان به برخی محدودیت‌های پژوهش اشاره می‌شود: ۱. حجم نمونه مورد مطالعه به دلیل آزمایشی بودن تحقیق محدود بود. ۲. نمونه‌های مورد مطالعه، مربوط به شهر خوی بود. بنابراین، تعمیم نتایج آن با محدودیت روبروست. ۳. نمونه‌های مورد مطالعه مربوط به کودکان سنین ۶-۴ سال بود.

مناسب است به پیشنهادهای تحقیق اشاره شود: ۱. با عنایت به یافته‌های تحقیق، روش قصه‌گویی، به‌ویژه استفاده از قصه‌های قرآنی در سایر مهدها مورد توجه قرار گیرد. ۲. با توجه به اهمیت مهارت‌های اجتماعی در زندگی افراد، کارگاه‌های آموزشی برای مربیان مهدها و والدین برای آشنایی بیشتر با مهارت‌های اجتماعی و سازگاری برگزار گردد. ۳. پیشنهاد می‌شود آموزش‌هایی از طریق مهدها و توسط مربیان و مشاوران در اختیار اولیای دانش‌آموزان قرار گیرد تا در خانه همزمان با مهدها، کودکان با مهارت‌های اجتماعی آشنا شوند. ۴. مسئولان و برنامه‌ریزان و اولیا به تأثیر قصه‌های قرآنی و آموزه‌های دینی توجه داشته باشند. ۵. با توجه به تأثیر قصه‌های قرآنی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان، خانواده‌ها، مدارس و مسئولان مهدهای کودک، زمینه لازم جهت ایجاد شناخت و آگاهی نسبت به ارزش‌ها و مسائل اعتقادی و دینی را فراهم آورند.

## منابع

- آقاجانی، مریم، ۱۳۸۱، *بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سلامت روان و منبع کنترل نوجوانان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا.
- اربابان، مرضیه و مینا قافله‌کش، ۱۳۸۵، «استفاده از قصه در فرآیند مشاوره‌ای به‌منظور دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت» در: *مقالات برگزیده قصه‌گویی، نهمین جشنواره قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان*.
- اریکسون، میلتن، ۱۳۸۲، *قصه درمانی*، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، دایره.
- رحماندوست، مصطفی، ۱۳۸۱، *قصه‌گویی، اهمیت و راه و رسم آن*، تهران، رشد.
- سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۷۷، *برنامه آموزش مهارت‌های زندگی*، ترجمه ربابه نوری قاسم‌آبادی و پروانه محمدخانی، تهران، واحد بهداشت و پیشگیری از سوء مصرف مواد سازمان بهداشت جهانی.
- سلیمانی، تقی، ۱۳۸۵، *زیباترین قصه جهان*، ویژه‌نامه دهمین جشنواره قصه‌گویی کشوری، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران.
- کارتلیج، گندلین و جوان فلوز میلبرن، ۱۳۸۲، *آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان*، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، مشهد، آستان قدس رضوی.
- میرهادی، توران و ایرج جهانشاهی، *فرهنگ‌نامه ادبیات کودکان و نوجوانان*، ۱۳۷۶، تهران، شورای کتاب.
- مظاهری تهرانی، مینا، ۱۳۸۴، *تأثیر آموزش شیوه‌های رفتار گروهی بر سازگاری اجتماعی کودکان و نوجوانان مصروع*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی.
- نقی پور، ولی‌الله، ۱۳۷۱، *پژوهش پیرامون تدبیر در قرآن*، تهران، اسوه.
- هارجی اوون و همکاران، ۱۳۸۱، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران، رشد.
- هویدا، رضا و رضا همایی، ۱۳۸۹، «تأثیر قصه‌های قرآنی بر هوش هیجانی کودکان»، *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ش ۱۱، ص ۶۱-۷۶.
- یوسفی، فریده و محمد خیر، ۱۳۸۱، «بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران دبیرستانی در این مقیاس»، *اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره هجدهم، ش ۲، ص ۱۴۷-۱۵۸.

- Hong kong, *Epilepsy & Behavior*, v. 4 (4), p. 441-446.
- Bandura, A, 1973, *Aggression: A social learning analysis*, Englewoodclifs, Prentice Hall.
- Bandura, A, 1992, *Human agency in social cognitive theory*, New York: W.H. Freeman.
- Bar-on, R, & Parker, D.A, 2000, *The hand book of emotional intelligence: Theory, development, assessment, and application at home, school and work place*, Sanfrancisco.
- Ciarrochi, V, & et al, 2000, Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health, *Journal of personality and individual differences*, v. 32, p. 197-209.
- Derksen, F., & et al, 2000, Emotional intelligence group treatment program for children behavior disorder, *Behavior Disorders*, v. 4 (4), p. 441-446.
- Florsheim, P.W, 1993, *Family and factors in the psychosocial adjustment of Chinese adolescent immigrant*, North western university, DAI-B 54/07, P. 3351.
- Gerasham, Hillary, 2011, Emotional, social, and academic adjustment of college student: A longitudinal study of retention, *Journal of Counseling and Development*, v. 72, p. 569-585.
- Helgeson, V. S, 2004, Cognitive adaptation children, *Health psychology*, v. 22 (1), p. 30-38.
- Matson, j, 1995, A Social skills program for developmentally delayed pre-schoolers, *Journal of clinical child psychology*, v. 20 (4), p. 433-428.
- Mcclelland, M, M, & Morrison, F. J, 2003, social skills, *Early childhood Research Quarterly*, v. 18, p. 206-224.
- Mendlowitz, S.L, 1999, Cognitive behavioral group treatments in childhood anxiety disorders: the role of parental involvement, *Journal of the American Academy of child and Adolescent Psychiatry*, v. 38 (10), p. 1223-1229.
- Mervis, M, M, & Bertrand, F.J, 2003, The emergence of learning -related social skills, *Earlychildhood Research Quarterly*, v. 18, p. 206-224.

Archive